



Ethical Characteristics of In-charges in the Declaration of the Second Step with Emphasis on Nahj al-Balaghah*

Ali Karimpour Qaramaleki^۱

Razieh Sultan Abbasi Nodoshan^۲

Najmeh Ravantab^۳

Abstract

Leaders, officials, and governmental and non-governmental in-charges are among the most important qualities of government individuals in institutionalizing and strengthening the morality of society. According to the moral charter of Imam Ali (A.S) in Nahj al-Balaghah and the declaration of the second step of the Islamic Revolution, the leader of the Islamic government, who is at the head of the in-charges and workers of public affairs, must have three important moral principles of dignity, chastity and simplicity which are the bases of all morals and virtues of in-charges. The findings of the present study, which is organized by descriptive-analytical research method and by library-based method and technique and using Nahjul Balaghah and referring to written religious sources and statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, indicate that in the field of individual ethics, the in-charges can create a great Islamic civilization by building themselves and creating a society based on the principles of Islam. This will be achieved with a special strong character in the religion and foresight of the in-charges. Ethical principles have been explained for each of the in-charges, including the military, judges, managers and employees, representatives and secretaries, businessmen and industrialists in Nahj al-Balaghah, and the statements of the Leader, and observance and adherence to each of them lay the foundation for a great civilization of guardianship and Imamate of Imam Asr (A.S).

Keywords: Ethics of In-charges, Islamic Government, Nahj al-Balaghah, Declaration of the Second Step of the Revolution.

*. Date of receiving: ۰۴, ۱۰, ۲۰۲۱ - Date of approval: ۲۴, ۱۲, ۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor Al-Mustafa International University, Qom; (karimpooral@yahoo.com)

۲. Level ۳ of Quranic Interpretation and Sciences, Fatemeh Masoumeh Institute of Higher Education, Bandar Abbas, Corresponding Author; (razaehabasi@yahoo.com).

۳. Student of Level Three in Islamic Theology, Fatemeh Masoumeh Institute of Higher Education, Bandar Abbas; (najmeh.ravantab@chmail.ir).



شاخصه‌های اخلاقی کارگزاران در بیانیه گام دوم با تأکید بر نهج البلاغه*

علی کریم پور قراملکی^۱ - راضیه سلطان عباسی ندوشن^۲ - نجمه روان تاب^۳

چکیده

رهبران، مسئولان و کارگزاران دولتی و غیردولتی از مهم‌ترین خواص افراد حکومت در نهادینه کردن و تقویت اخلاق جامعه‌اند. طبق منشور اخلاقی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، رهبر حکومت اسلامی که در رأس کارگزاران و متصدیان امور عامه مردم قرار دارد، باید سه اصل مهم اخلاقی عزت، عفت نفس و ساده‌زیستی که اصول محوری تمام فضایل و مکارم اخلاقی کارگزاران است را دارا باشد. یافته‌های پژوهش حاضر که با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با روش تکنیک اسنادی و بهره‌گیری از نهج البلاغه و مراجعه به منابع مکتوب دینی و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی سامان یافته است، نشان می‌دهد که در حوزه اخلاق فردی، کارگزاران با خودسازی و ایجاد جامعه بر اساس مبانی اسلام، می‌توانند تمدن عظیم اسلامی را ایجاد کنند. این امر با خصلت خاص نیرومندی در دین و دوراندیشی کارگزاران محقق خواهد شد. برای هر یک از کارگزاران اعم از نظامیان، قضات و داوران، مدیران و کارمندان، نمایندگان و دبیران، بازرگانان و صاحبان صنایع در نهج البلاغه و بیانات رهبری، مبانی اخلاقی تبیین شده است و رعایت و پایبندی به هر یک از آن‌ها زمینه‌ساز تمدن عظمای ولایت و امامت امام عصر (عج) خواهد بود.

واژگان کلیدی: اخلاق کارگزاران، حکومت اسلامی، نهج البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳.

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمیه، قم؛ (karimpoorali@yahoo.com).

۲. سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه (س)، بندرعباس، (نویسنده مسئول)؛ (razaehabasi@yahoo.com).

۳. دانش آموخته سطح سه کلام اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه (س)، بندرعباس؛ (najmeh.ravantab@chmail.ir).



مقدمه

کارگزاران جامعه، از مهمترین ارکان حکومت اند که در اداره حکومت نقش بسزایی دارند. وجود کارگزاران اخلاق مدار به قدری حائز اهمیت است که امام علی علیه السلام طی نامه‌ای به مالک اشتر، التزام علمی و عملی اخلاق حکومتی هر یک از کارگزاران را به صورت عمومی و حتی اختصاصی بیان کرده‌اند (نهج البلاغه: نامه ۵۳). بُعد اخلاقی کارگزاران، شاکله اصلی حکومت را بر مبنای اسلام بنا می‌کند. از این رو گماشتن کارگزاران بر مناصب حکومتی بدون پشتوانه فکری و رفتاری عقیفانه، سبب نارضایتی عوام جامعه و خشنودی خواص می‌شود که از دایرة اخلاق کارگزاران اسلامی با محوریت دنیاگرایی خارج شده‌اند. نهادینه و عملیاتی شدن تقوی و بسیاری از التزامات عملی دیگر در تمام ابعاد و اخلاق هر یک از کارگزاران چون نظامیان، قضات و داوران، بازرگانان، دبیران و... علاوه بر معرفی الگوی مناسب برای مردم، موجب استقرار حکومت توحیدی خواهد شد. با توجه به اینکه مردم همواره اخلاق و رفتار مسئولان حکومت را رصد می‌کنند و با تاسی و الگو گرفتن از آنان، واکنش نشان می‌دهند، ضرورت دارد پژوهشی مستقل صورت گیرد و با تدوین منشور اخلاقی و انتشار آن در سازمان‌ها و اداره‌ها، از بسیاری از مفسدات اخلاقی و به تبع آن انحطاط حکومت اسلامی جلوگیری شود. با وجود آنکه در کتاب‌های اخلاقی مانند «اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه» تألیف احمد بهشتی (۱۳۸۶) و مقالاتی چون «آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران در نهج البلاغه» نوشته قدرت‌الله رضایی (۱۳۸۹) و «آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران حکومت در نهج البلاغه» اثر مجتبی فائق (۱۳۹۳)، به ویژگی‌های اخلاقی مانند عزت نفس، عفت نفس، نیرومندی در دین و خودسازی و... پرداخته شده است، اما پژوهشی منسجم و مستقل درباره ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تدوین نشده است. با توجه به گستردگی موضوع اخلاق کارگزاران، این مقاله به تبیین مؤلفه‌های اصلی و عناصر کاربردی آن از دو منظر نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی پرداخته است.

الف. مفهوم‌شناسی

مناسب است، ابتدا تعریفی از مهم‌ترین واژگان مرتبط با بحث، جهت روشن‌تر شدن هر چه بهتر موضوع پژوهش ارائه شود.



۱. اخلاق

واژه «اخلاق» جمع خُلُق، شکل درونی انسان است، چنانکه خُلُق شکل ظاهری و صوری اشیاء است. غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی شود نیز اخلاق و یا رفتار اخلاقی می‌گویند (مهدوی کنی، ۱۳۸۴: ۱۳).
لسان العرب در بیان این واژه آورده است که «اخلاق» از «خُلُق» به ضم لام و سکون آن به دین و قانون و طبیعت و ...، در واقع تصویر درونی انسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۷/۱۰).

مقام معظم رهبری در تعریفی جامع درباره اخلاق می‌فرماید: «اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). پایه اخلاق این است که شخص آنچنان با اراده باشد که اگر تشخیص داد که باید این کار را کرد، تصمیم بگیرد و هیچ طبیعتی نتواند جلو او را بگیرد (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۳۱/۲۱).

بنابراین می‌توان اخلاق را مسائل و دستورهایی که درباره «چگونه بودن» انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی بیان کرد، از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، صداقت (میر سید هندی نیشابوری، ۱۳۶۶: ۸/۱). این مهم، از توصیه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

۲. کارگزار

یکی از مؤلفه‌هایی که نیاز به مفهوم‌شناسی دارد، واژه کارگزار است که در عربی با واژه عمیل و جمع عملا تعریف شده است و به معنای نماینده، کارگزار، حق‌العمل کار گفته شده است (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۴۶۲). این واژه در کتب لغت به معنای عامل و جمع آن کارگزاران، به کسانی که متصدی امور عامه باشند، اطلاق شده است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۸۵۹/۴). بنابراین مراد از کارگزار در این پژوهش، فردی است که تصدی امور ملت و دولت را بر عهده داشته باشد.

ب. ویژگی اخلاقی کارگزار محوری

رهبر، یکی از شاخص‌ترین کارگزاران و متصدیان امور عامه در سطح کلان کشور است که الگوی تام و جامع برای دیگر کارگزاران دولت و نقشه عملیاتی برای اخلاق آنان است. در این جا، ویژگی‌های اخلاقی رهبران اسلامی به‌عنوان کارگزار اصلی و محوری در حکومت، در سه محور آمده است.



۱. عزّت نفس

یکی از مهم‌ترین ویژگی اخلاقی در هرکارگزاری به ویژه در رهبران اسلامی، عزّت است. عزّت که همواره با صلابت و شکست ناپذیری مقارن است، عبارت از حالتی است که به انسان استواری می‌بخشد تا مغلوب دیگری نشود. مبدأ عزّت نفس، خداوند و اعتماد بر حق تعالی است و غایت آن نیز خدا است، در حالی که ثمره آن، ترک غیر است (خمینی، ۱۳۹۵: ۳۳۷). وجود عزّت نفس در رهبران دینی به قدری مهم است که امام علی علیه السلام لازمه مردانگی را دارا بودن صفات کمال انسانی از قبیل شجاعت، عزّت نفس می‌داند (ابن میثم، ۱۳۹۱: ۸۱/۲). عنصر عزّت نفس، جامع تمام صفات و ویژگی‌هایی مانند اقتدار، اخلاص، تقوا و غیره است که وجود آن در رهبران دینی لازم و ضروری است. از این رو عزّت، قدرت نفوذ ناپذیری در برابر شیطان درونی و بیرونی را به انسان می‌دهد که لازمه هر کارگزار و رهبری است.

مقام معظم رهبری در تبیین عزت واقعی فرموده‌اند: «عزّت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن و موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد. در منطق قرآن، عزّت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هرکسی است که در جبهه خدائی قرار می‌گیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴).

بنابراین بنا به فرموده امام علی علیه السلام، ارزش آدمی به اندازه همت اوست و درستی اش به اندازه جوانمردی اوست و دلاوریش به اندازه عزّت نفس اوست و پاکدامنی اش به اندازه غیرت اوست (نهج البلاغه: حکمت ۴۷).

۲. عفت نفس

عفت در اصطلاح اخلاق، حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌شود که با تمرین، تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت دست می‌یابد. همچنین عفت، انسان را از ضرر حفظ می‌کند (حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱۰/۱۱). در توصیه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف أنصاری در رعایت عفت شهوت و شکم که مهم‌ترین مصادیق در پرهیز از دنیاگرایی است، آمده است:

«ای پسر حنیف به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به ولیمه عروسی دعوت کرده و تو بدان جا شتافته‌ای؛ خوردنی‌های گوارا و رنگارنگ برایت آورده‌اند، گمان نداشتم که تو به مهمانی کسانی بروی که فقیر و نیازمند را راه ندهند و ثروتمندان را دعوت کنند. پس درباره آنچه از این خوردنی‌ها به



دهانت می‌گذاری بیندیش و هر چه را که در حلال بودنش شبهه داری بیرون انداز و آنچه را به پاکی راه‌های به‌دست آوردن آن آگاهی داری استفاده کن. بدان که هر پیروی را امامی است که باید از پیشوای خویش پیروی کند و از نور علم او کسب نور نماید. بدانید که امام شما از دنیای خود به دو لباس فرسوده و دو قرص نان قناعت کرده و شما نمی‌توانید مثل امامتان زندگی کنید، اما مرا با پرهیزکاری و تلاش و عفت خویش یاری نمایید. قسم به پروردگار، از دنیای شما طلا نیندوخته و از غنیمت‌های آن، مال فراوانی ذخیره نکرده و با لباس فرسوده‌ای که در بردارم، لباس فرسوده دیگری مهیا نساخته‌ام...» (نهج البلاغه: نامه ۴۵).

الگوی امروز جامعه کارگزاران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

«قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسئولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ یعنی تلاش دائم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه معوج اگر خدای نکرده در ما هست و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم» (خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۱/۴).

بنابراین چنانچه کارگزار برنامه‌های عملیاتی خود را بر محور الگو قرار دادن رهبران دینی پیش ببرد، دنیا و لذت‌های دنیا فریبنده او نخواهد بود و غرق شکم و شهوت نمی‌شود. این رویکرد اخلاقی، برگرفته از مناعت طبع و عفت نفس او است.

۳. ساده‌زیستی

امام علی علیه السلام درباره مسئولیت زمامداران و ضرورت ساده‌زیستی آنان فرموده است:

«بر پیشوایان حق [واجب] است که از نظر خوراک و پوشاک به حال ناتوان‌ترین رعیتشان تأسی کنند، به طوری که در چیزی که آنان قدرتش را ندارند، امتیازی بر ایشان نداشته باشند، تا فقیر آنان را مشاهده کند و از خداوند به خاطر آنچه دارد راضی و خشنود باشد و ثروتمند آنان را مشاهده کند و شکورتر و متواضع‌تر گردد» (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۱۰۶).

در واقع ساده‌زیستی رهبران و زمامداران دو نتیجه و اثر مثبت دارد و عدم رعایت آن، دو خطر بزرگ در پی خواهد داشت؛ در صورت نخست، فقیر می‌تواند با نگاه کردن به زندگی رهبران و زمامداران و تأمل در اوضاع و احوال و راه و رسم ساده آنان، زندگی آمیخته به فقر خویش را به راحتی تحمل کند و



احساس تبعیض و ستم نکند تا زمانی که فقر از همه جامعه زدوده شود؛ و در این صورت است که ثروتمندان جامعه گستاخ نمی‌شوند و طغیان نمی‌کنند. روشن است که در صورت دوم یعنی در جامعه‌ای که حاکم اسلامی و زمامداران کاخ‌نشین باشند و از راه و رسم ساده‌زیستی بیرون شوند، تبعیض و ستم بی‌داد خواهد کرد و انسان‌های فقیر و مستضعف تحملشان طاق می‌شود و دیگر نمی‌توانند صبر کنند؛ همچنین ثروتمندان گستاخ می‌شوند و طغیان می‌کنند و دست به چپاول می‌زنند. پس رهبران و زمامداران خردمند هرگز از سیره ساده‌زیستی بیرون نمی‌شوند و اجازه نمی‌دهند کارگزارانشان به سوی تبعیض و اشرافیت میل کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۳۲۹/۱-۳۲۷).

مقام معظم رهبری با الگوگیری از سیره امام علی علیه السلام، تأکید می‌کنند که مسئولان کشور باید به معنای واقعی کلمه، از لحاظ زهد یعنی بی‌رغبتی به زخارف دنیایی سرمشق دیگران باشند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضمن معرفی سبک زندگی اسلامی به‌عنوان بخش حقیقی و اصلی تمدن، توجه به مسایلی که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد، از بخش‌های اصلی تمدن اسلامی دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲) و در توصیه‌های مکرر به مسئولین نظام، بر ساده‌زیستی در عمل تأکید کرده‌اند:

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافیگری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده خارجی از کیسه‌ی مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است» (خامنه‌ای، ۸۳/۳/۶).

ایشان بر این باورند که مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود» (خامنه‌ای، ۷۹/۹/۲۵).

ج. اخلاق کارگزاران در حوزه فردی

بخشی از فضایل اخلاقی کارگزاران که مبنایی عقلایی و فطری داشته و باید کارگزاران به آن آراسته باشند را می‌توان تحت عنوان اخلاق شخصیتی و فردی بیان کرد. مقصود از اخلاق فردی کارگزار این نیست که این ویژگی‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با مردم ندارند؛ بلکه به این معناست که این فضائل خوی و



منش کارگزار باشد؛ زیرا اگر کارگزار به این شایستگی‌ها آراسته نباشد، این نگرانی وجود دارد که هنگام در دست گرفتن قدرت، ناکارآمد شود و تعدی و دست‌درازی به حقوق مردم کند. برخی از این ویژگی‌ها در نهج البلاغه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح ذیل است.

۱. خودسازی

اساس اخلاق کارگزاران توحیدی بر پایه خودسازی است. بزرگترین هدف تمامی ادیان و پیامبران الهی، انسان‌سازی و گسترش اخلاق به واسطه خودسازی بوده است. امام علی علیه السلام به ریاضتی که استقامت بخشیدن برای نفس در راه حقیقت است، افتخار می‌کرد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۵۹۷/۶): «زیرا با این عمل خویشتن را تربیت کرده‌ای» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، خودسازی ابعاد مختلفی مانند اخلاقی، روحی، معنوی، ایمانی، دینی، اعتقادی و ... دارد که در این گفتار به بُعد خودسازی اخلاقی مسئولین پرداخته می‌شود که معظم له بر آن تأکید دارند: «ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

به‌طور کلی اصول اخلاق اسلامی به خودسازی وابسته است و با مراقبت و تقوا عملی محقق می‌شود، چنان‌چه رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «ما همان ماده خام هستیم که اگر روی خودمان کار کردیم و توانستیم این ماده خام را به شکل‌های برتر تبدیل کنیم، آن کار لازم در زندگی را انجام داده‌ایم. هدف حیات همین است. مؤمن باید به‌طور دائم روی خودش کار کند. اگر کسی مراقب خود باشد؛ مواظب باشد کارهای ممنوع و کارهایی را که خلاف است انجام ندهد و راه خدا را با جدیت بپیماید، موفق می‌شود. این، همان خودسازی دائمی است و برنامه اسلام، متناسب با همین خودسازی به‌طور دائم است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۲/۴).

ابزار خودسازی مؤمن تقوا است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «تقوا یعنی پرهیز در حال حرکت و مراقبت در حال حرکت، در میدان‌ها حرکت نکنید، اما مواظب باشید! از اصطکاک‌ها، از غلط رفتن راه‌ها، از وارد کردن ضایعه‌ها به خود یا دیگران و از تخطی کردن از حدودی که برای انسان معین کرده که انسان را به گمراهی می‌برد، چون جاده بسیار خطرناک و طولانی و ظلمانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۲۴).

تقوا، نیرویی روحی و مقدس است که اثرش ضبط و مالکیت نفس است. امام علی می‌فرماید:



«همانا تقوا برای انسان در زندگی دنیا، به منزله حصار و سپر است و در فردای قیامت، راه به سوی بهشت خواهد بود؛ طریق تقوا، روشن و رونده آن سود می‌برد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۱۳). کارگزاری که التزام به تقوا را در تمام مراحل زندگی دارد، بنا به فرموده امام علی علیه السلام، باید پرهیزگاری را ریس خُلق خود قرار بدهد: «پرهیزگاری در رأس همه خلق‌هاست» (نهج‌البلاغه: حکمت/۴۱۰). بهترین وجه خودسازی همین سفارش حضرت است.

۲. جامعه‌پردازی

از دیگر ویژگی اخلاق کارگزاران پس از خودسازی، جامعه‌پردازی است، چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱). به فرموده امام علی علیه السلام، شالوده جامعه پردازی و حتی خودسازی، برقراری عدالت است: «عدالت، شالوده‌ای است که قوام عالم به آن است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۳/۷۵). عدالت مطلق، از مهمترین شاخصه‌های حکومت امام علی علیه السلام است و ایشان هیچ مصلحت شخصی و هیچ سیاست مربوط به شخص خود را بر عدالت مقدم نمی‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۳۰؛ ستاد فجر انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰: ۶۶/۴). در خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه آمده است: «آیا مرا فرمان می‌دهید که پیروزی را طلب کنم، به ستم کردن بر کسی که زمامدار او شده‌ام؟ به خدا سوگند، چنین نکنم تا شب و روز از پی هم می‌آیند و در آسمان ستاره‌ای از پس ستاره دیگر طلوع می‌کند. اگر این مال از آن من می‌بود، باز هم آن را به تساوی به میانشان تقسیم می‌کردم. پس چگونه چنین نکنم، در حالی که، مال از آن خداوند است».

تحول در نظام ارزشی جامعه، اولین تکلیف کارگزاری است که برای کرامات نفسانی خود سرمایه‌گذاری کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در شرایطی مشابه عصر حاضر، اولین تکلیف خود و یاران خود را تحول در این زمینه می‌دانستند. از این رو نهج‌البلاغه مشحون از این نگاه راهبردی است که برای فردسازی و جامعه‌پردازی، عدالت استوارترین شالوده است: «العدل أقوى أساس» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۰۰/۶).

مقام معظم رهبری به کارگیری نیروهای جوان همراه با داشتن دانش، تخصص و توانمندی را برای جامعه‌پردازی لازم دانسته و شایسته‌سالاری را ملاک انتخاب کارگزاران معرفی کرده‌اند؛ چراکه شایسته‌سالاری عدالت را در جامعه رواج خواهد داد. ایشان خطاب به جوانان در لزوم ترسیم نقشه راه برای اجرای عدالت می‌فرمایند: «جوانان عزیز، دست یافتن به آرزوهای بزرگ ملی، نیازمند فکر روشن و



عزم راسخ و شجاعت و اخلاص است و جوان مؤمن که مبانی جمهوری اسلامی و راه امام بزرگوار را عمیقاً پذیرفته است، امید بخش‌ترین نیرویی است که می‌تواند ملت ایران را در رسیدن به آرزوهایی بزرگش یاری برساند. نقشه راه برای رسیدن به پیشرفت و عدالت در دهه چهارم را فقط با اذعان به این حقیقت می‌توان ترسیم کرد» (خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۶/۳).

بنابراین تحول در جامعه و به عبارتی جامعه‌پردازی در اخلاق‌مداری و تزکیه نفس خلاصه می‌شود و اصولی‌ترین راهبرد تربیتی کارگزاران است برای عملکردی اصولی برای تحقق تمدن جهانی توحیدی است.

۳. تمدن‌سازی

تمدن‌سازی از مهم‌ترین و به عبارتی نتیجه خودسازی و جامعه‌پردازی هر کارگزاری در حکومت اسلامی است. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «سپاس خدای را که اسلام را بنیان نهاد و برنامه‌های آن را برای پذیرندگان ساده و آسان ساخت و پایه‌های آن را در برابر هر که با آن در افتد، محکم و استوار داشت. پس آن را "وادی ام" و "سرزمین صلح" پیوستگان و مؤمنان قرار داد و برهان و منطق نیرومند هر کس که بدان سخن گوید، و گواهی صادق است برای هر کس که از آن داوری جوید و نور و روشنی است برای آن که از آن روشنی و هدایت خواهد و اندیشه است برای کسی که آن را دریابد و عقل است برای آن کس که با اراده باشد و عبرت است برای آن که عبرت پذیر بود، ... هدفش والا و بلند، همه ابزار پیروزی و سعادت را فراهم آورده است...».

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). ایشان معتقدند که از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). معظم له در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به نسل چهارم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«عزیزان! دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای



حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت» (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲). بنابراین، لازمه کارگزار انقلاب اسلامی این است که با پیروی از مکتب و مجاهدت و حفظ اندیشه و رفتار و توجه داشتن به رشد معنوی، در تمام ابعاد وجودی و تکلیفی عدالت محور باشد و این عدالت محوری با شاخصه دانش و تخصص و اخلاق محوری در دایره شایسته سالاری قرار می‌گیرد و با این برنامه راهبردی تمدن اسلامی را محقق خواهند کرد که این الگوزمینه ظهور را فراهم می‌کند.

۴. نرم‌خویی

در حکومت امام علی علیه السلام، از مؤلفه‌های مهم مسئولان نظام، رفق و مداراست. آن حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر سفارش می‌کند: «در کار قاطعیت و نرمی را آمیخته کن و چنان باش که ملایمت با شدت همراه باشد».

مقام معظم رهبری، اخلاق را هوای لطیفی می‌دانند که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹). معظم له، تزکیه اخلاقی را برای یک کشور امری ضروری می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۲۰) و معتقدند که جامعه بدون برخورداری از خُلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدف‌های والای بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست پیدا کند. ایشان تصریح می‌کند که آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی می‌رساند، اخلاق نیکوست (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۰/۶). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از نرم‌خویی کارگزاران در رفتار تعبیر به نرمش قهرمانانه می‌کنند و می‌فرمایند: «شما تیزتر از شمشیر و نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید... نرم باشید؛ منتها نرمشی که تیز است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۵/۱۷).

بنابراین، نرم‌خویی در رفتار از دیگر ویژگی‌های مهم هرکارگزاری است که می‌تواند در ایجاد حکومت بر مبنای اسلام تأثیرگذار باشد و وجود آن برای هرکارگزاری لازم و ضروری است. در غیر این صورت، سبب تزلزل اجتماع و بسیاری از مشکلات، از جمله فتنه و ناامیدی در جامعه خواهد شد، چراکه تعالی اخلاقی یکی از اهداف انقلاب و نظام اسلامی است: «اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، همین اقتدار و عزّتی را که امروز داریم، چند برابر کنیم، ولی اخلاق‌های مردم ما، اخلاق‌های اسلامی نباشد؛ در میان ما گذشت، صبر، حلم و خوش‌بینی نباشد، اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲).



۵. دوراندیشی

دوراندیشی از نشانه‌های خردمندی است و خردمندترین انسان‌ها افرادی‌اند که آینده نگری و عاقبت اندیشی بیشتری دارند. دوراندیشی، از شرایط لازم و مقدمات اساسی تصمیم‌گیری معقول و منطقی است. بر این اساس کارگزاران حکومت اسلامی برای اثرگذاری بهتر بر مردم و اداره جامعه بایستی خصلت دوراندیشی را دارا باشند.

امام علی علیه السلام حزم و دور اندیشی شایسته را نیک می‌دانند و خطاب به مردم می‌فرمایند: «به وظیفه لازم خود چنانکه باید اقدام می‌کنم، و تدبیر و دور اندیشی بایسته را نیک می‌دانم، و اندیشه درست و به جا را به کار می‌بندم...» (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۱؛ طالقانی، ۱۳۷۴: ۴۵۷).

همچنین مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «موضع ما پای فشردن برحق و به کار گرفتن عقل و حزم و تدبیر است و تنها راه حفظ کشور را همین می‌دانیم. باید مواضع برحق خودمان را حفظ کنیم و باید عقل و تدبیر و حزم را در همه مراحل به کار بندیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).

بنابراین هر کارگزاری برای ایفای نقش خود به بهترین نحو باید ویژگی دور اندیشی را دارا باشد تا بتواند جامعه را از خطرات احتمالی نجات دهد.

د. اخلاق کارگزاران در حوزه اجتماعی - سیاسی

اخلاق اجتماعی - سیاسی کارگزاران، ویژگی‌هایی است که گروه‌های مختلف حکومت و دولت مانند نظامیان، قضات، کارمندان و... باید رعایت کنند که در این مجال به ذکر و تبیین چند نمونه پرداخته شده است.

۱. نظامیان

نظامیان از مهمترین کارگزاران حکومت اسلامی‌اند که اخلاق شایسته و یا ناشایست آنها در سرنوشت کشور دخالت دارد و در صورت عدم رعایت اخلاق مطلوب، ممکن است کشوری را مغلوب کند و برعکس، با رفتار نیکو و حسنه، ظفر و پیروزی عاید آن کشور شود. در این جا به بررسی ویژگی اخلاقی آنان پرداخته شده است.

۱/۱. اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران

بدون شک اقتدار هر کشوری به میزان صلابت و وحدت کارگزاران نظامی آن بستگی دارد. یک



زمامدار و کارگزار نظامی نخبه و شایسته کسی است که دارای ارتشی قوی و نیرومند باشد. قدرت ارتش تنها به تعداد آدم‌ها و آلات و ادوات رزمی و پادگان‌ها نیست. این شرط لازم است نه شرط کافی. از همه مهم‌تر ایمان و اخلاص و ایثار است. اگر والی بتواند ارتشی پدید آورد که سربازان آن علاوه بر تعداد از نظر ایمان و اخلاص و ایثار برترین باشند، هرگز در برابر دشمنان زانو نمی‌زند (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۵۱/۶-۳۵۸). امام علی علیه السلام به کارگزاران نظامی می‌فرماید: «از نیروهای مسلح کسی را گزینش کن که پیش تو برای خدا و رسول و پیشوایت خالص‌ترین، پاکدامن‌ترین و بردبارترین باشد... و در برابر نیرمندان عقب نشینی نکند...» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). چنان‌چه رهبر انقلاب اسلامی در عصر کنونی بالندگی کارگزاران نظام (ارتش، سپاه و بسیج و...) را وابسته به «اقتدار، امنیت، عزت و توانایی کافی در زمان لازم» به‌عنوان اهداف اصلی نام می‌برند و با تأکید بر ضرورت کادرسازی و جانشین‌پروری در نیروهای مسلح می‌فرماید: «جمهوری اسلامی قصد آغاز جنگ با کسی را ندارد، اما باید آن‌چنان توانایی‌های خود را افزایش دهید تا دشمن نه تنها از حمله به ایران بیمناک و هراسان باشد بلکه به برکت همبستگی، اقتدار و حضور مؤثر نیروهای مسلح در میدان، سایه تهدید نیز از سر ملت ایران دور شود» (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲).

۱/۲. ثبات و امنیت اخلاقی

اگر بخواهیم حق و حقیقت حکومت کند باید به کارگزار درس استقامت و پایداری و تحمل داده شود. کارگزارانی که نه تحمل عدالت دارند و نه سر سپرده حقیقت‌اند، نمی‌توانند ظلم را از جامعه پاک‌کنند و معروف را جایگزین آن کنند. فرهنگ و اخلاق علوی و ثبات قدم در ایمان و عزم راسخ ملت بسیجی، سبب پیروزی دشمنان حق علیه باطل گردید، چنان‌چه مقام معظم رهبری فرمودند: «ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود (کارگزار ثابت قدم) ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.» (همان).

امام علی علیه السلام عزم راسخ در کارها را نشانه شخصیت انسان می‌داند که خود را در پیکار با مخالفان حق، آشکار می‌سازد و شکستن آن دلیل بر سستی اراده می‌باشد که باید از آن به خدا پناه برد و می‌فرماید: «به جان خودم سوگند در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه‌ورند، هیچ‌گونه مجامله و مدارا نمی‌کنم و سستی به خرج نمی‌دهم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۷۱/۲).



۱/۳. ایستادگی در برابر مستکبران و عدم سازش با آنان

کارگزاری که اقتدار نظام برای او ارزش شود و با ایمان راسخ به دنبال شکست مستکبرانه است، همراه با عزم راسخ و ثبات اخلاقی در مقابل قلداران ایستادگی کرده و با بصیرت روز افزون در مقابل مستکبران جهانی ایستادگی می‌کند و در برابر زورمندان و زورگویان سرسختی و قاطعیت نشان می‌دهد و هرگز از در سازش کاری با آنها وارد نمی‌شود؛ چرا که سازش با زورگوها و قلدرها و مستکبران، خیانت به ضعیفان و مستضعفان، بلکه به همه ملت و همه مقدّسات است (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۵۸). در نامه‌های امام علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر وقتی شنید که او از عزل خود و جانشینی مالک اشتر در مصر دلتنگ شده است، آمده است: «کسی را که بر مصر حاکم نمودم برای ما مردمی خیراندیش و بر دشمن ما سختگیر و ستیزه‌جو بود» (نهج‌البلاغه: نامه ۳۴).

رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار را نماد پُرابّهت و باشکوه و افتخارآمیز معرفی می‌کنند و در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و پاسداری از انقلاب خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم بیان فرموده‌اند. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ایشان معتقدند ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۹: ۱۴). از این رو شایسته است در رأس ارتش مکتبی و الهی افراد سازش کار قرار نگیرند و نظامیان مالک گونه مانند سردار سلیمانی‌ها باید در رأس قرار گیرند و در گزینش فرماندهان دقت شود که افراد سازش‌کار بر مسند فرمانده نشینند.

۲. قَضَات

قضاوت یکی از حساس‌ترین شغل‌ها در کشور است که با جان، مال و آبروی مردم سروکار دارد و توجه به اخلاق کارگزاران در این حوزه مورد نظر ولی امر مسلمین در گام دوم انقلاب اسلامی است.

۲/۱. شکیبایی در حل و فصل خصومت

بنا بر آموزه‌های اسلامی، همه باید خود را به زیور صبر آراسته کنند. کسی که صبر ندارد، ایمان



ندارد. روشن است که فضات باید از همه شکیبوتر باشند؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توانند به‌طور دقیق، به کشف حقیقت و فصل خصومت پردازند و حق و باطل را از هم جدا سازند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و آنگاه برای قضاوت میان مردم بهترین افراد رعیت را انتخاب کن، از آن کسانی که برای کشف واقعیت‌ها از همه با حوصله‌تر و به هنگام روشن شدن حکمی از همه کس قاطع‌ترند (ابن میثم، ۱۴۱۷: ۲۵۹/۵).

مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه به فرمان معروف امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «این نوشته که بلندترین نوشته ایشان است، بخشی مربوط به قوه قضائیه دارد و به غلط به آن می‌گویند عهدنامه، عهدنامه نیست؛ "عهد" است؛ عهد یعنی فرمان- این جوری می‌فرماید اول که "ثُمَّ اخْتَرَ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ" (نهج البلاغه: نامه ۵۳)؛ برای قضاوت، برترین مردم را انتخاب بکن؛ «برترین»، این خیلی چیز مهمی است. بعد آن وقت حضرت این خصوصیتی را که باید این شخص برتر داشته باشد، ذکر می‌کنند؛ ده دوازده خصوصیت است، مراجعه کنید؛ من خواهش می‌کنم که حتماً همه -بخصوص مدیران قوه قضائیه و آن کسانی که دستشان در انتصابات هست و مانند اینها- مراجعه کنند نگاه کنند. خصوصیتی را حضرت ذکر می‌کنند که درست منطبق با همان نیازهایی است که انسان احساس می‌کند حضرت همه اینها را احصا فرموده است و بیان کرده‌اند که [قاضی باید] دارای این خصوصیات باشد» (خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۴/۵).

۲/۲. شناخت و رفع شبهات

قاضی سطحی‌نگر و کم دقت، در معرض لغزش و هلاکت است. قاضی هر اندازه در اطراف موضوع حکم، بیشتر و عمیق‌تر جستجو کند از لغزش و اشتباه و انحراف مصونیت بیشتری پیدا می‌کند. او باید به خاطر اینکه حق را بر محور خود بچرخاند و صاحب حق را به حق خود برساند و مدعیان دروغین و طماع را بر سر جای خود نشاند، به اطلاعات و فهم و آگاهی سطحی قناعت نکند؛ بلکه شبهات را بشناسد و با احتیاط آنها را رفع کند تا جان و مال و آبروی بی‌گناهی به خطر نیفتد و باطل به جای حق و حق به جای باطل قرار نگیرد.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «و برای قضاوت میان مردم بهترین افراد رعیت را انتخاب کن، از آن کسانی که به اندک فهم و درک از مسائل، بدون زحمت فکر و اندیشه زیاد، بسنده نکنند. از آن



کسان که در برابر شبهات، بیشتر تأمل می‌کنند» (ابن میثم، ۱۴۱۷: ۲۵۹/۵).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به نامه مالک اشتر خصوصیات را اینگونه برای قاضیان برتر برشمرده‌اند: «توانایی در امر قضاوت، مرعوب طرف‌های دعوا نشدن، اصرار نداشتن بر لغزش‌های خود، پرهیز از طمع‌کاری، اکتفا نکردن به برداشت‌های سطحی، احتیاط در مواجهه با شبهات، اتکاء به ادله، خسته نشدن از مراجعات طرف‌های دعوا، بردباری در کشف حقیقت، صدور آرای قاطع هنگام آشکار شدن حقیقت، از تعریف و تمجیدها دچار فریب نشدن، از تشویق دیگران به یکی از طرف‌های دعوا متمایل نشدن. از این رو وقوف در شبهات و محتاط بودن در برابر آنها وسیله نجات است. همه باید از شبهات پرهیزند، ولی قاضی باید پارساترین و پرهیزکارترین و محتاط‌ترین باشد؛ چرا که حساسیت شغلی او چنین اقتضایی دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۴/۵).

۲/۳. عدم انحراف با ستایش و چرب زبانی

افراد چرب زبان و متملق و چاپلوس، دام گسترانی هستند که انسان را - اگر مقاوم نباشد - در دام‌های نفسانی خود گرفتار می‌کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و برای قضاوت میان مردم بهترین افراد رعیت را انتخاب کن، ... و برای کشف واقعیت‌ها از همه با حوصله‌تر و به هنگام روشن شدن حکمی از همه کس قاطع‌ترند. کسی که ستایش زیاد او را وادار به خودبینی نسازد و تشویق و فریب او را از اعتدال بیرون نکند، و این چنین افراد شایسته و قضات آراسته به چنین ویژگی‌ها کم‌اند» (ابن میثم، ۱۴۱۷: ۲۵۹/۵).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین علیه السلام در سلوک سیاسی‌اش این است که از مردم جداً - نه به صورت تعارف - درخواست می‌کند که با او متملقانه حرف نزنند، چاپلوسی نکنند، تصنع در برخورد با او به خرج ندهند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) و در نصیحت یکی از حاضران که به تعریف و تمجید حضرت پرداختند اینگونه فرمودند: که با من این جور حرف نزنید. از جمله همین عبارت معروف است: «آن جوری که با پادشاهان، با جباران حرف می‌زنند، با من حرف نزنید» (نهج البلاغه: خطبه/۲۱۶).

بنابراین قضات و صاحبان مناصب عالی‌ه باید مواظب باشند در دام خطرناک افراد چرب زبان گرفتار نشوند؛ زیرا اگر گرفتار شوند، از راه راست و صراط مستقیم خارج شده‌اند (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۹۰/۶).



۳. مدیران و کارمندان

مدیران و کارمندان، یکی دیگر از کارگزارانی هستند که در این بخش به بررسی ویژگی‌های آنان در سه محور پرداخته می‌شود.

۳/۱. اصالت خانوادگی

مدیران و کارگزاران باید از خانواده‌ای انتخاب شوند که از نسب پاک باشند و دارای شجره طیبه و با کرامات و فضایل اخلاقی توحیدی تربیت شده و پرورش یافته باشند. همچنین سزاوار است که در انتخاب کارگزاران و دادن پست‌ها و مسئولیت اجرایی سوابق آنها به حساب آید.

امام علی علیه السلام، چهار ملاک ارزشی را در مورد کارگزاران مد نظر دارند که عبارت است از برترین اخلاق، برترین آبرو، کم‌طمع‌ترین و آینده‌نگرترین: «زیرا اینان دارای ویژگی‌ها و خصلت‌های ارزشمند و کم‌طمع‌تر و بیشتر در اندیشه عواقب‌کارند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). مدیرانی شایسته مناصب حکومتی هستند که اهل مکارم اخلاق باشند: «فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حیا، تجربه و صلاحیت خانوادگی و تقدّم در اسلام باشند و همچنین آبرومندترین مردمان و «أَصْحَحُ أَعْرَاضًا» (همان) هستند که اینان از راه کرامت اخلاقی آبرومند شده‌اند و یا چون خواسته‌اند پیش خدا و خلق خدا آبرومند باشند، راه رسیدن به کرامت اخلاقی را با قناعت و رزق برگزیده‌اند که جزء کم‌طمع‌ترین افرادند: «وَأَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ» (همان).

بنابراین کریم‌ترین آنها و آبرومندترین آنها هرگز با طمع در لذت‌های دنیا اسیر نمی‌شود و این اخلاق را نمی‌پسندد؛ چون اینان زندگی را بر رکن تقوا بنا نهاده‌اند و از لغزشگاه‌های طمع دنیا فروگذارند، مقام معظم رهبری با استناد به سخنان امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه درباره این ویژگی کارگزاران می‌فرماید:

«من به وزرای عزیز که بخش‌های مختلف را بر عهده دارند یا خواهند داشت، عرض می‌کنم: یکایک معاونین را، یکایک مدیران را، یکایک مسئولین سراسر کشور را، در بخش خودتان، با معیارهای الهی انتخاب کنید: کاردان، لایق، متدین، پاک و آراسته به خصوصیتی که برای یک مدیر لازم است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۵/۱۲).

۳/۲. اهل مشورت با حکیمان

مدیران برای پیشبرد کارهای مدیریتی خود نیاز به مشورت حکیمان و عالمان دارند (نهج البلاغه:



حکمت/۱۱۳). از این رو امام علی علیه السلام به مالک اشتر توصیه می‌کند که در اصلاح امور و تثبیت وضعیت شایسته با علما و حکما زیاد به گفتگو و رایزنی بپردازد: «با دانشمندان بیشتر هم صحبت باش و با دانایان درباره آنچه که صلاح مملکت است و پیش از تو امور ملت بر آنها راست می‌شد گفتگو و مشورت کن» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). این نامه دلالت بر این دارد که علم و حکمت و آگاهی و فرزاندگی یکی از معیارهای مشاور خوب است. گاهی بعضی خیلی درس نخوانده‌اند و سواد ندارند، ولی با تفکر و تعقل، تجربه‌های ارزشمندی دارند. اینگونه افراد پخته و عاقل که در گوشه کنار یافت می‌شوند، شایسته مشاوره‌اند.

مقام معظم رهبری در ضرورت لزوم نیاز به مشورت کارگزاران با حکیمان می‌فرماید: «یک گروه مشاوره درست کنید و از این‌ها خوراک فکری محتوایی بخواهید؛ این‌ها هم برنامه‌ریزی کنند و اصلاً به شما بگویند که امروز چه چیزی لازم است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۳). دشمن برای برخورد با نهضت‌های اسلامی به‌طور دائم در حال طراحی است. مسلمانان هم باید اذهان خودشان را هدایت کنند؛ با یکدیگر به مشورت بپردازند؛ از تجربه‌های هم استفاده ببرند؛ راه‌ها را در مقابل یکدیگر باز، و به هم کمک کنند تا برای مقابله راه‌های جدیدی بیابند. ای بسا تجربه‌ها که ما را به ابتکارات جدیدی دعوت می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

بدون تردید، همان گونه که در بیانیه گام دوم بر نقش فعالانه نخبگان جوان برای حل مسائل و راهکارهای توسعه علمی کشور تأکید شده است، مشورت کارگزاران با نخبگان جوان و انقلابی، نقش مهمی در تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارد.

۳/۳. کوتاهی نکردن در امور

به همان اندازه که شتاب‌زدگی نارواست، کوتاهی و سستی در کاری که موقع آن فرا رسیده بی‌جاست. کارگزار شایسته به‌ویژه مدیران و کارمندان هر اداره و ارگانی باید فرصت شناس باشند و فرصت‌سوزی نکنند، بلکه فرصت‌سازی کنند تا بتوانند از انرژی خود حداکثر استفاده و بهره را بگیرند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از شتاب‌کردن در کارها قبل از فرا رسیدن وقت آنها یا سستی کردن به هنگام دسترسی به آنها پرهیز...» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۱۷)؛ چه بسیار نیروهای سرشاری که می‌تواند در موقع خود بسی ارزشمند و مفید فایده باشند، ولی بیهوده به هدر می‌روند و چه بسیار فرصت‌هایی که می‌تواند جامعه‌ای را نجات دهند و کشوری را به اوج عزت و آزادی و استقلال و آبادی برسانند، اما



به علت ندانم‌کاری و اغراض شیطانی و مسامحه بی جا و وقت‌کشی به هدر رفته‌اند. از این رو مقام معظم رهبری در بیانات خود تأکید نموده‌اند که از دستورات دین به کارگزاران حکومتی انجام به موقع کارها «وَأَوْقِعْ كُلَّ [عَمَلٍ] أَمْرٍ مَّوَقَّعُهُ» (همان) و کوتاهی نکردن در امور است که دلیل بر نظم و وقت‌شناسی و از دست ندادن فرصت‌ها است. هر نوع کوتاهی کردن در حراست از آن چیزی که در اختیار شماست، خیانت است و خیانت در امانت از هیچ‌کس پسندیده و پذیرفته و مقبول نیست (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۱۵).

۴. نمایندگان و دبیران

یکی دیگر از کارگزاران که در امور حکومت باید ویژگی‌های اخلاقی آنها بررسی شود، نمایندگان و دبیران هستند، در این بخش محورهای اخلاقی آنان به شرح ذیل آمده است.

۴/۱. صلاحیت در امور

کارگزاران در موضوع مدیریتی لازم است دقت نظر و حساسیت کافی و توانمندی در اجرای امور محوله را داشته باشند. به همین دلیل نمایندگان و دبیران باید از صلاحیت اخلاقی خاص برخوردار باشند تا هیچ تطمعی و تهدیدی آن‌ها را از انجام وظیفه باز ندارد. امام علی علیه السلام در وصف مدیران اخلاق مدار می‌فرماید: «سپس در حال نویسندگان و منشیان حکومت دقت کن، و امورت را به بهترین آنها بسپار» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «چقدر بجا و خوب است که وقتی نمایندگان محترم، درباره‌ی وزرایی که پیشنهاد شده‌اند، بحث می‌کنند و می‌خواهند تصمیم‌گیری کنند، صددرصد روی لیاقت‌ها و صلاحیت‌ها فکر کنند و نظر بدهند و اگر دیدند که این آقایان، دارای صلاحیت و لیاقتند، به آن‌ها رأی بدهند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۱). برای این که نیروی انسانی رشد کند و صلاحیت کاری را که بر عهده‌ی یک نیروی انسانی عالم و کارآمد است، پیدا نماید تا بتواند آن کار را انجام دهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۹/۲۰).

۴/۲. حفظ اسرار حکومت

در مورد نویسندگان و دبیران نامه‌های محرمانه و اسرارآمیز، حساسیت بیشتر است. قطعاً اگر اسرار مملکتی فاش شود خسارت‌های بزرگی برای مملکت و دولت و شخص زمامداری که مسئولیتش از



همه سنگین‌تر است به بار می‌آید. چنان‌چه امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «درباره منشیان و دبیران خود، بیندیش و بهترین آنها را به کارهای خویش بگمار و نوشتن نامه‌هایی را که در آنها سرنوشت کارها و اسرار حکومتی نوشته می‌شود، به دبیری اختصاص ده که در تمام صفات خوب، خیر اندیشی و پاکدامنی از نویسندگان دیگر جامع‌تر باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

نمایندگان و دبیران باید به لحاظ فضایل و صلاحیت‌های اخلاقی جامع‌ترین و کامل‌ترین باشند. افراد نفوذناپذیر و دارای استقامت همچون پولاد آبدیده و زنگار ناپذیر می‌توانند دولت و ملت و مملکتی را در برابر خطرها و توطئه‌ها و تهدیدها بیمه کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «چه نیکوست که مجلس محترم، با پیش‌بینی‌های قانونی لازم، خود پیش‌قدم شود و چنین فرد بی‌مسئولیتی را از غفلت خارج سازد. همچنین، رعایت تقوا و اخلاق و ادب اسلامی در گفتگوها و مباحثات، از جمله مسائل مهم و قابل توجه نمایندگان و مجلس محترم است. نمایندگان عزیز باید توجه کنند که هر کار و گفتار آنان، در جامعه منعکس می‌شود و تأثیر سیاسی و اخلاقی ویژه‌ای بر فضای کشور می‌گذارد. بی‌گمان، هنگامی که در مذاکرات مجلس، نشانه‌های تقوا و راستگویی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و حس مسئولیت مشاهده شود، فضای کشور به عطر این خصال پسندیده معطر خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۳/۷).

۴/۳. عزل و نصب در چارچوب اخلاق

امام علی علیه السلام برای اداره حیات امت اسلامی از نیروهایی کمک‌گرفت که افرادی برجسته از جهت روحی، فکری و مسئولیت‌پذیری بودند؛ کسانی چون عثمان بن حنیف، محمد بن ابی‌بکر و مالک اشتر نخعی. این افراد گرچه از مردان شایسته و در سطح قابل‌قبولی از تفکر و مدیریت و امور اجرایی بودند، با این حال امام علیه السلام با دادن رهنمودهای روشن‌گرانه آنان را توان بیشتری می‌بخشید تا در اجرای سیاست‌ها بدانها عمل کنند و نوع رابطه خویش را با مردم و کسانی که عهده‌دار اداره آنان هستند، بیشتر مورد توجه و دقت قرار دهند. یکی از مفصل‌ترین عهدنامه‌ها و پر ارج‌ترین نامه‌های امام علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی است که او را به فرماندهی مصر منصوب نمود (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مقام معظم رهبری معتقدند که مسئولین باید همت کنند تا بتوانند این عدالت‌مورد نظر اسلام را در همه ابعاد قضائی، اقتصادی، در تقسیم منابع ثروت ملی و فرصت‌های گوناگون و در همه چیزهایی که در کشور برای انسان‌ها اهمیت دارد اجرا کنند. ایشان می‌فرمایند: «در هزینه بیت‌المال، در استفاده



شخصی، در عزل و نصب و در همه کارهایی که یک مسئول در قوای سه‌گانه چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه و چه در قوه مقننه می‌تواند انجام دهد، باید هدف، اجرای عدالت و روش، روش عادلانه باشد. اگر این‌طور شد که در هر بخشی از بخش‌های این کشور و این نظام به تحقق عدالت همت گماشته شد و کسانی دنبالش را گرفتند و عدالت در دسترس بود و مردم طعم آن را چشیدند؛ در همه بخش‌های زندگی باید سعی کنیم اثری از بی‌عدالتی نماند آن روز است که جمهوری اسلامی خواهد توانست به همه مردم دنیا و به همه امت‌های اسلامی، به‌عنوان الگوی حقیقی اسلام، خودش را نشان دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶).

۴/۴. امانت دار بودن

در نگاه امام علی علیه السلام، مسئولیت امانتی است جهت خدمت به خلق و برای رضای خالق. از این رو ایشان پاسخگویی به داور اعظم و مالک روز جزا و پاسخگویی به مردم را به کارگزاران خود متذکر شده‌اند و آنان را از عواقب امور بیم و هشدار داده‌اند. در نامه‌های امیرمؤمنان علیه السلام به زیاد بن ابیه، قائم مقام عبد الله بن عباس در حکومت بصره، آمده است: «و من به خدا سوگند می‌خورم سوگندی از روی صداقت که اگر به من خبر رسد که تو در بیت‌المال مسلمین کم یا زیاد خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت می‌گیرم که چیزی از مال دنیا در اختیارت نباشد و درمانده و خوار و پریشان احوال گردی. و سلام بر آنکه شایسته سلام است» (نهج البلاغه: نامه ۲۰).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در اهمیت این ویژگی نمایندگان، در پیام به مناسبت افتتاح دوره پنجم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «نمایندگان محترم در هر حال باید صراحت و حق‌گویی و آزادگی خود را حفظ کنند و بخصوص مراقب باشند که وسوسه‌های بعضی از شیاطین که احیاناً ممکن است در صفوف مقدس مدیران اجرایی کشور نفوذ کرده باشند آنان را از وظائف نمایندگی ملت که امانت الهی است باز ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۱۱).

ایشان درباره انتخاب مدیریت‌های شهر و روستا توصیه می‌کنند که امانت و دیانت و کفایت اشخاص را ملاک گزینش قرار دهید. رفاقت‌های شخصی و حزبی و ملاحظات سیاسی به‌هیچ رو، نباید مجوز گزینش مدیران فاقد ملاک‌های اصلی شمرده شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۵).

۵. بازرگانان و صاحبان صنایع

بازرگانان و صاحبان صنایع، از دیگر کارگزاران حکومت هستند که در این بخش به ویژگی‌های



اخلاقی آنان پرداخته شده است.

۵/۱. طمع نداشتن

برخی خصلت‌ها و عمل کارگزاران حکومت، انسان و جامعه را عزیز می‌کند و بعضی از امور نیز موجب ننگ و بدنامی و ذلت و حقارت و شکست می‌شود. طمع، یکی از عوامل حقارت و شکست کارگزاران در مناصب حکومتی است. طمع، تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۰/۲). فرد طمع کار پست و ذلیل است؛ زیرا برای به دست آوردن آنچه به آن طمع دارد دست به هرکاری می‌زند، هر چند خفت بار و دور از کرامت انسانی باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «طمع بردگی ابدی است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۴۱۳/۱۸) و نیز می‌فرماید: «و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان، قطعه زمینی واگذار مکن، و مبادا کسی به این طمع بیفتد که در آبادانی زمین و باغ خود به مردم همسایه زیان رساند و در آب دادن مزرعه و یا در کاری که با مردم باید همکاری کند، هزینه آن را بر دیگران تحمیل کند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۹۷/۱۷).

مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان می‌فرماید: «به جوانان ما مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزید؛ در آن‌ها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری به وجود آورید؛ بعد هم پرایشان برنامه ریزی کنید. این کارها شدنی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲).

۵/۲. پرهیز از احتکار

بنا بر فرمایشات امام علی علیه السلام، بازرگانان باید امین مردم باشند و مردم را از مضیقه خارج کنند. آن حضرت در این باره فرموده است: «با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند، با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از احتکار منع کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای که در بها، نه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود... پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد، ولی کار به اسراف نکشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «باید با قاچاق، دلالی‌ها، خریدهای خیانتکارانه ازراق



عمومی و احتکار، بدون هراس از جنجال‌ها، برخورد قاطع شود و همه باید از دولت در این عرصه حمایت کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۲۴). ایشان می‌فرمایند یکی از چیزهایی که خیلی لازم است، این است که دولت با عوامل مخرب بخش‌های گوناگون اقتصاد باید برخورد کند و همه باید در این برخورد پشتیبان دولت باشند. معظم له می‌گویند امروز قاچاق هست، احتکار هست، دلّالی‌های بسیار مضر هست که خیانت است و باید با اینها برخورد شود. اینکه فلان جنس را وارد کرده‌اند، در انبار نگه داشته‌اند؛ احتکار است و بایستی با اینها برخورد شود. همه باید پشت سر دولت قرار بگیرند، کمک کنند تا تعزیرات دولتی بتواند به معنای واقعی کلمه کار کند (همان).

بنابراین پرهیز از احتکار از جمله ویژگی‌های مهم اخلاقی است که هر کارگزاری باید در نظام داد و ستد مد نظر قرار دهد تا از بسیاری مفاسد اقتصادی کشور که منافع ملی را به خطر می‌اندازد، جلوگیری شود.

۵/۳. خرید و فروش آسان

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی مطلوب کارگزاران در نظام معاملاتی کشور، سهل و آسان گرفتن خرید و فروش بر مردم است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «معامله باید سهل و آسان باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). نکته قابل تأمل در این روایت این است که در حقیقت امام علی علیه السلام انتظار دارد که سهل بودن، دشوار نبودن و ممتنع نبودن معامله به صورت یک اخلاق عمومی و یک سنت پذیرفته شده همگانی در آید و زندگی اجتماعی از آرامش و نشاط و تحرک و امید و آسایش برخوردار باشد و به هیچ وجه اذیت و آزاری در معاملات و مراودات نباشد. طبق فرموده امام علیه السلام، معامله به دو شرط عدالت و پرهیز از اجحاف: «همراه با موازین عدالت و با قیمتی که به هیچ یک از فروشندگان و خریدار زیان نرسد» (همان)، می‌تواند آسان باشد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۶/۶۶۴).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سفارش به بازاریان و اصناف می‌فرمایند: «اسلام نظام خرید و فروش و معامله و تجارت را امضاء و تأیید کرده است. کسانی که در این نظام افساد می‌کنند و کار خلاف انجام می‌دهند، جوان‌های مؤمن بازاری و افراد غیور و انقلابی باید مراقب باشند که در محیط کسب و کار و بازار، به حیثیت انقلاب و اسلام لطمه و صدمه نخورد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۴).

نتیجه‌گیری

اخلاق فردی و سیاسی - اجتماعی صحیح کارگزاران، شاکله اصلی مسئولیت‌پذیری در حکومت اسلامی است. منشور اخلاق حکومتی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری،



به‌عنوان رهبر کارگزاران، دو الگوی عینی، علمی و عملی معرف حضور تمام کارگزاران در حکومت اسلامی است. عزت نفس، قناعت و ساده زیستی در رهبر دینی جامعه که در رأس کارگزاران است، جزء اصولی‌ترین معیارهایی است که اخلاق‌های دیگر از این سه اصل مهم در وجود رهبر نشأت می‌گیرد. در حوزه فردی، اخلاق صحیح و شایسته هر یک از کارگزاران و مدیران و مسئولان بر سه محور خودسازی، ایجاد جامعه بر مبنای اسلام و تمدن‌سازی به‌صورت عام و به‌صورت خاص در نیرومندی در دین و حزم و دوراندیشی و نرم‌خویی در رفتار استوار است. در حوزه سیاسی - اجتماعی، برای هر یک از مسئولین از جمله نظامیان، قضات و داوران، نمایندگان و دبیران و مدیران و کارمندان حکومت، دستورهای اخلاقی تعریف شده است که ملزم به انجام آن هستند. همچنین واکاوی بیانات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در صورت فساد اخلاقی و سیاسی هر یک از کارگزاران، آسیب‌های بزرگی بر پیکره حکومت و نظام سیاسی وارد خواهد شد. تزییع اصول، پرداختن به فروع، انتصاب مسئولان ناباب در پست‌های کلیدی، منزوی نمودن افراد شایسته و اسراف و دنیاپرستی؛ از جمله بی اخلاقی‌هایی است که باعث فروپاشی و سقوط یک حکومت خواهد شد. از این رو، با وجود دو راهبر اساسی در گام دوم انقلاب اسلامی، یعنی بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی و منشور اخلاقی نهج البلاغه، باید تلاش شود که فساد و بی عدالتی، سازش با دشمن، خیانت، اختلاس و ... در حکومت اسلامی رخنه نکند. اگر این منشور توسط مدیران، سرپرستان و کارگزاران به‌عنوان دستور حکومتی در اداره‌ها و ارگان‌ها اجرایی شود، این انقلاب به آرمان بزرگ رهبری در ایجاد تمدن عظیم اسلامی و آمادگی برای ظهور صاحب امر است، نائل خواهد شد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص من الأئمة فی ذکر خصائص الأئمة، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه: قربانعلی محمدی، علی اصغر نوابی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۶. ارفع، کاظم، ترجمه روان نهج البلاغه، تهران: انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۹ ش.
۷. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹ ش.
۸. بهشتی، احمد، اندیشه سیاسی تربیتی علوی در نامه های نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۹. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. حاج سید جوادی، احمد؛ و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران: شهید سعید محبی، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف دائره المعارف جامع اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.



۱۴. خامنه‌ای، سید علی، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۵، farsi.khamenei.ir، ۱۳۹۷ش.
۱۵. خمینی، روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۵ش.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی منطق عملی، تهران: دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت: مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۸. ستاد فجر انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه چهارم، عدالت و مبارزه با فساد، قم: مؤسسه فرهنگی سراج اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰ش.
۱۹. الشریف سید الرضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ش.
۲۰. طالقانی، محمود، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: سازمان وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۲۱. علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الاجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۱ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۲۸. مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۹. میر سید هندی نیشابوری، حامد حسین، عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۳۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، قم: معراج السعاده، هجرت، ۱۳۷۸ش.